

## استراتژی آموزش برنامه محور در دانشگاه حکمت بنیان (با نگاهی به پتانسیل دانشگاههای غیردولتی)

حسین اکبری فرد، صدیقه علیپور\*

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان  
akbarifard@uk.ac.ir;

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان  
salipoor@uk.ac.ir

### چکیده

آموزش برنامه محور، رویکردی نوین در آموزش عالی است که بر نیازها و اهداف دانشجویان تمرکز دارد. این رویکرد در دانشگاههای غیر دولتی به دلیل انعطاف پذیری و استقلال بیشتر از پتانسیل بالایی برخوردار است. هدف این مقاله بررسی استراتژی مناسب برای پیاده سازی آموزش برنامه محور در دانشگاههای غیر دولتی است؛ لذا با استفاده از روش مروری و تحلیل توصیفی به بررسی مبانی نظری، شاخص ها، چالش ها و فرصتهای پیاده سازی می پردازد. یافته های این مقاله نشان می دهد که پیاده سازی موفق آموزش برنامه محور در دانشگاههای غیر دولتی نیازمند توجه به طراحی برنامه های آموزشی متناسب با نیازها و اهداف جامعه و دانشجویان، توانمند سازی استادان در زمینه آموزش برنامه محور، تجهیز و نوسازی امکانات آموزشی، برقراری ارتباط با صنعت و جامعه و ارائه خدمات حمایتی به دانشجویان است.

کلمات کلیدی: آموزش برنامه محور، استراتژی، دانشگاههای غیر دولتی، فرصتها و چالش ها.

## مقدمه

دانشگاه حکمت بنیان با استناد به آیه «و یَعْلَمُکُمُ الْکِتَابُ وَ الْحِکْمَةُ» می‌کوشد تا با وقوع انقلابی فکری، فلسفی و فرهنگی در نقش و مأموریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اثرگذاری نماید و ضمن پیگیری تحول در هدف و روش آموزش، پژوهش، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی، با توسعه و پرورش حکمت در ذی نفعان گوناگون خود، برای دستیابی به جامعه و در تعاقب آن دنیایی حکیمانه نقشی حیاتی داشته باشد؛ لذا می‌کوشد تا ضمن واکاوی و کشف ظرفیتها، استعدادها و امکانات زیست بومی، صنعت، جامعه، هنر، فرهنگ و غیره برای پاسخگویی به نیازهای جامعه، کشور و بشر به معنای کلی در نظام هستی فعالیت نماید و با همین هدف به تعلیم و تربیت دانشجویانی بپردازد که آینده سازان نظام زندگی انسانی - الهی در دنیای مدرن باشند.

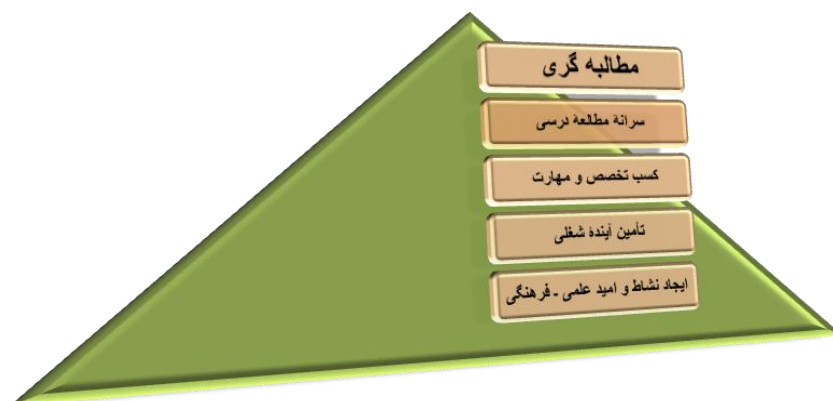
اهداف کلی دانشگاه حکمت بنیان

1. ارائه آموزش علم نافع برای دستیابی به خیر کثیر
2. ارائه الگوی جهانی آموزش حکمی با نگرش اسلامی
3. تعلیم و تربیت دانشجویان با الگوی حکمی با نگرش اسلامی
4. آینده نگری: ترسیم نقشه معماری مدینه فاضله اسلامی

دنیای مدرن تحولات و در تعاقب آن ضرورت‌های خاص خود را دارد. با توجه به اهداف دانشگاه حکمت بنیان، یکی از مسائلی که به طور کلی در بازسازی دانشگاه‌ها با توجه به این ضرورتها اهمیت دارد، استراتژی آموزش است. ما نمی‌توانیم تحول در محیط زندگی و جهانی شدن را در ارتباط با فراگیرهای خودمان نادیده بگیریم. مسلماً دنیای مدرن، مهارت‌های خودش را لازم دارد. بر فرض اگر در یک نگاه کلی موضوعاتی نظیر: توسعه فن آوری‌های مدرن، آب و هوا، کشاورزی و مواد غذایی پایدار، تقویت حاکمیت تکنولوژیک، توسعه سیستم بیوتکنولوژی، پزشکی و بهداشتی و برخی موارد دیگر را از ضرورت‌های تعلیم در دانشگاه‌ها بدانیم، استراتژی آموزش باید بر مدار راهکارهایی برای تقویت، حل مسأله و پیشرفت کشور در این زمینه بکوشد.

ارتباط تعاملی دانشگاهها با صنعت و جامعه و در کنار آن تقویت فرهنگ استارت آپ در دانشگاهها می تواند علاوه بر اینکه مسیری برای فعال سازی استراتژی آموزش باشد، موجبات نوسازی دانشگاهها، نوآوری های علمی - اجتماعی، نشاط و امید علمی و فرهنگی را نیز در جامعه به وجود خواهد آورد.

با این نگرش، می توان عناوین زیر را بعنوان اصول زیربنایی نوسازی دانشگاههای حکمت بنیان با هدف کاربردی سازی علم محسوب کرد:



پس ضرورت استراتژی در برنامه های آموزشی کاملاً محسوس و جدی است. در زیر، می کوشیم تا ضمن تعریف مفهوم استراتژی، برنامه استراتژی دانشگاههای کنونی و آینده را بررسی کنیم:

## استراتژی آموزش

استراتژی یک مفهوم مهم در امر آموزش است که به عنوان یک ساختار رهبری آموزشی به اندیشیدن و تفکر درباره علوم و نقد و تحلیل آنها توجه دارد؛ نه صرفاً یادگیری آموزش محور؛ یعنی اینکه دانشجویان باید بیاموزند چطور درباره علم بیندیشند و چطور جهان را با ایده های تازه تطبیق دهند تا بتوانند راهکارهای عملی مناسب برای زیستی بهتر بیابند. کانت روشنگری را شکلی از گذر و بالغ شدن و پذیرش مسئولیت و خروج از حالت مفعولی بودن می داند. از نظر او شعار روشنگری این است که: «جسارت آن را داشته باش که فهم خود را بکارگیری!» (احمدی، ۱۳۷۴: صص ۲۴۸-۲۴۳). دانشگاه حکمت بنیان صرفاً محلی برای ارایه حفظیات به دانشجویان نیست؛ بلکه اتاق فکر علم و عمل است. استراتژی آموزش در دانشگاهها کلاً به دو شکل قابل طرح است:

## آموزش سنتی

آموزش سنتی، صرفاً مبتنی بر یادگیری و استاد محور است. روشهایی نظیر سخنرانی استاد و یادداشت برداری دانشجویان، تعلیم کتاب مشخص و محتوای از پیش تعیین شده و ارزیابی دانشجو بر اساس حفظیات و مواردی از این دست از روشهای این نوع آموزش است. (برای اطلاع بیشتر ر.ک. مقالاتی نظیر: «بررسی میزان تحقق اهداف شناختی درس علوم با روش های تدریس سنتی و کاوشگری» از حسنعلی بختیار نصرآبادی و رضا علی نوروزی در نشریه تعلیم و تربیت؛ «یادگیری الکترونیکی یا یادگیری سنتی؟!» از اسماعیل محمدی و عمران علی مردانی در کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی و غیره)

## آموزش برنامه محور

این روش، مبتنی بر یادگیری کاربردی است و دانشجو طبق یک برنامه مشخص، بصورت انفرادی و تجویز بر اساس نیاز و ضرورت برای مطالعه و کسب مهارت توسط استاد هدایت می شود. آموزش برنامه محور ضمن بروز رسانی محتواهای علمی، در صدد رفع مشکلات اجتماعی نیز هست. استراتژی کلی آموزش حکمت بنیان بر این پایه استوار است.

بنابراین، نقش و مأموریت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در دانشگاه حکمت بنیان، پیگیری تحول در هدف و روش آموزش، پژوهش، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی است. این روش، همراه با توسعه و پرورش حکمت در ذی نفعان گوناگون خود، برای دستیابی به جامعه و در تعاقب آن دنیایی حکیمانه خواهد بود (صمدی میارکلایی و صمدی میارکلایی، ۱۳۹۸: ۴۴).

یکی از مهمترین و کلیدی ترین آسیب ها برای فراهم شدن چنین برنامه ای، بحران سیستم علمی و تحقیقاتی است. البته حل بحران سیستم علمی و تحقیقاتی با تکیه بر استراتژی تفکر و عمل امکان پذیر است.

استراتژی تفکر خواه ناخواه نه تنها مقید به زمان حال نیست، بلکه کوشش اصلی اش افزایش و گسترش افق زمانی ذهن انسان است. آموزش مبتنی بر تفکر یا بقول مجتهدی فلسفیدن، انسان را فراتر از آنچه که حتی می داند (مجتهدی، ۱۳۸۹: ۲۰) و یا آنچه می خواند سوق می دهد. هایدگر معتقد است تأملی که بر تفکر خردورزانه استوار باشد و تفکری که مخاطب را به احساس زدایی صرف سوق دهد (هایدگر، ۱۳۸۸: ۲۶) نتیجه اش به عمل ختم می شود. لذا اگر استراتژی آموزش با تفکر و عمل همراه شود، می توان دانشگاه را بستری مناسب و اصلی برای تعالی انسان، جامعه و توسعه ملی تلقی کرد؛ چنانکه در تعالیم دینی نیز اهمیت این موضوع مطرح است: اصلُ الانسان لبُّهُ و عقلُهُ دینُهُ؛ اصالت انسان به خرد اوست و عقل او دین اوست (مجلسی، ج ۱، ۱۳۸۱: ۸۲).

## اهداف کلی برنامه محوری



با توجه به اهداف ذکر شده در بالا، به بررسی تاکتیک‌ها، دستاوردها و چالش‌های این استراتژی می‌پردازیم:

### ۱- تاکتیک‌های آموزش برنامه محور

این تاکتیک‌ها می‌تواند به شکل زیر مد نظر قرار گیرد:

نیازسنجی:

سنجش دانش، مهارت و نگرش دانشجویان، قبل از شروع برنامه.  
طراحی برنامه:

تناسب محتوا با نیازها و اهداف دانشجویان

انسجام و توالی منطقی محتوا

استفاده از روشهای آموزش متناسب با شرایط و نیاز

تناسب منابع آموزشی با محتوا

ارائه برنامه:

تسلط و تخصص مدرس

تعامل و انگیزه دانشجویان

تناسب زمان و مکان ارائه با نیازهای دانشجویان

شاخص های بررسی حین برنامه آموزش

ارزیابی یادگیری:

استفاده از روشهای متنوع برای سنجش یادگیری دانشجویان

ارائه بازخورد به دانشجویان

فرصت دادن برای تمرین و تکرار

مدیریت کلاس:

ایجاد محیط یادگیری مناسب

حل مشکلات و چالش های حین برنامه

شاخص های خروجی

۱-۵-۳. رضایت دانشجویان:

نظرسنجی از دانشجویان و دریافت بازخورد

۲-۵-۳. دستاوردهای یادگیری:

سنجش دانش، مهارت و نگرش دانشجویان پس از اتمام برنامه

مقایسه نتایج با اهداف برنامه

۳-۵-۳. کاربرد آموخته ها:

استفاده از آموخته ها در دنیای واقعی

اثر بخشی برنامه آموزشی در بلند مدت

نرخ تکمیل برنامه:

تعداد دانشجویانی که برنامه را به پایان می رسانند

میزان بازگشت سرمایه:

مقایسه هزینه برنامه با فواید آن

سر فصلها و محتواهای درسی منطبق با استراتژی برنامه محور

دور اندیشی برای طرح جهانی تولیدات علمی از یک طرف، تعبیه کردن سبک و روشهای زندگی درست و در عین حال منطبق با دنیای جدید از طرف دیگر باید محور اصلی استراتژی برای تنظیم برنامه آموزش برنامه محور باشد؛ چراکه این روش، ما را به ریشه های آگاهی از معناها و واقعیت های اجتماعی و حتی تاریخی و سیاسی و غیره هدایت می کند. دریدا می گوید: «هر آن چه بر آگاهی پدیدار می شود و هر آن چه در کل برای آگاهی وجود دارد، معنا است که باید خواننده و تحلیل شود.» (دریدا ، ۱۳۸۸: ۵۰) باختین نظریه پرداز فرانسوی نیز معتقد است که متنها از اهمیت دلالت های اجتماعی و تاریخی برخوردارند؛ به گونه ای که تحقق مفهومی آنها، تحت شرایط یک موقعیت اجتماعی مفروض و یک وهله تاریخی معینی ایجاد می گردد (Bakhtin & Medvedev, 1978: 102). نیچه نیز بر این باور است که روح انسان همواره در جستجوی شناخت چیزها برای فهم هستی و امر متعالی است و این، همان نیاز مبرم معقولات، جهت ادامه زندگی در سیاره ماست (نیچه و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

در آموزه های دینی، بویژه در قرآن شریف بر این امر تأکید شده است که همه اشیاء مسخر امر انسان اند: «سَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا». چرا که انسان مغز و خلاصه عالم است (لاهیجی ، ۱۳۷۸: ص ۱۷۳) و بی شناخت خود و عالم هستی، زندگی برای او میسر نیست. او برای دست یافتن به حیاتی شایسته خود، نیاز به آموختن دارد و دانشگاه حکمت بنیان بستری مناسب برای تحقق این باور است؛ چراکه علم، پدیده ای نافع برای دست یافتن انسان به خیر کثیر در زندگی خود و دیگران است.

به روز رسانی محتوای آموزشی و آمیختن آن با حکمت و اخلاقیات، از ضروریات جوامع متمدن است و ایده دانشگاه حکمت بنیان در خصوص اصلاح نظام آموزشی در دانشگاهها، علاوه بر دانش گرایی و تخصص گرایی، تعالیم و آموزه های دینی را نیز سرلوحه الگوی آموزشی خود قرار می دهد (ر.ک: علیپور، ۱۴۰۲: ۱۴۶۱) تقسیم سرانه درسی اصل مهم آموزش است که با تأکید بر آموزه های دینی و تمرکز بر برنامه های عملیاتی کشور معین می گردد و هدفش ایجاد بستری مناسب برای حیات بهینه اجتماع و انسان است. لذا سرانه مطالعه درسی باید منطبق بر ضروریات دنیای مدرن باشد و به تبع آن کتابها، درسنامه ها و سرفصل ها نیز باید منطبق با نیازهای جهان تازه باشد.

با اتکا به این باور، اصول تعیین کننده محتوای آموزشی دانشگاه حکمت بنیان، در زیر تبیین می گردد:

هدفمند سازی آموزش با توجه به تفکر حکمت بنیان (برای توضیح بیشتر، ر.ک. مقاله های: «در مسیر دانشگاه حکمت بنیان: سومین انقلاب علمی - دانشگاهی» از حمزه صمدی میارکلایی و حسین صمدی میارکلایی در فصلنامه علم و فناوری و «دانشگاه حکمت بنیان و قلب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» از مهدی فاتح راد و محمد حسین نقوی در مجله مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت)

پیوند آموزش به پژوهش‌های نیاز محور

مهارت آموزی و یادگیری تجربی

آموزش فرا دانشگاهی

فرا آموزش

انعطاف در محتوای آموزشی، مهمترین و کلیدی ترین نکته در فرایند استراتژی آموزش مؤثر است.

دستاوردهای آموزش برنامه محور

با توجه به نکات بررسی شده در بالا می توان اذعان کرد که آموزش برنامه محور در دانشگاه‌های حکمت بنیان، رویکردی نوین است که بر نیازها و اهداف دانشجویان و نظام اجتماعی و بشری بیشتر تأکید دارد. از جمله دستاوردهای این روش آموزش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

افزایش رضایت و انگیزه دانشجویان

دانشجویان در برنامه های آموزشی برنامه محور، می توانند نقشی فعال در انتخاب محتوا، روشهای تدریس و ارزشیابی داشته باشند.

۱-۵. ارتقای کیفیت یادگیری

برنامه های آموزشی برنامه محور بر اساس نیازها و اهداف دانشجویان طراحی می شود و این امر باعث می شود که دانشجویان مطالب را عمیق تر یاد بگیرند و در به کارگیری آنها راحت تر باشند.

۲-۱-۵. توسعه مهارت های تفکر انتقادی و حل مسأله

به این دلیل که دانشجویان به طور فعال درگیر حل مسائل و چالش های واقعی می شوند.

۳-۱-۵. آمادگی برای ورود به بازار کار

با این روش، دانشجویان مهارتهای لازم برای کار در دنیای واقعی را یاد می گیرند.

تبصره: تنظیم قوانین اخلاق حرفه ای و عدم سوء استفاده از کارآموز در برنامه کسب مهارت همراه با نظارت و ارزیابی بر عملکرد از اهمیت بالایی برخوردار است.

تولید علم و فناوری و توسعه ملی

از آنجا که آموزش برنامه محور، دانشجویان را به طور فعال درگیر حل مسائل و چالش های واقعی می کند. این امر باعث می شود که آنها مهارتهای تفکر انتقادی و حل مسأله خود را ارتقا دهند و به تولید علم روی آورند. ارتقای کارایی و اثر بخشی آموزش برنامه محور به نفع تولید علم و فناوری است. از طرفی، چون برنامه های آموزشی با توجه به نیازها و اهداف جامعه طراحی و تدوین می شوند؛ لذا از طریق مواردی مثل: افزایش اشتغال زایی و کارآفرینی و ارتقای کیفیت زندگی جامعه بواسطه ترویج تولید علم، به توسعه ملی نیز منجر می شوند.

رفع آسیب مطالبه گری نمره در قبال شهریه پردازی

ارتقای کیفیت آموزشی، افزایش تعامل دانشجوی و استاد، توجه به تفاوت‌های فردی، انگیزه، سبک یادگیری و شرایط زندگی دانشجویان، جلب مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌ها، توسعه فرهنگ گفتگو و تعامل در رفع چالش‌ها در استراتژی برنامه محور و حمایت دولت از مؤسسات غیر دولتی حکمت بنیان و برنامه محور، قطعاً می‌تواند به حل معضل مطالبه‌گری نمره در قبال پرداخت شهریه نیز منتهی گردد.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، استراتژی آموزش برنامه محور در دانشگاه‌های حکمت بنیان بررسی شد. مزایا، چالش‌ها و برخی آسیب‌ها نیز مورد بحث قرار گرفت و به تاکتیک‌های مهم اجرایی و دستاوردهای این روش اشاره گردید. به طور کلی این روش به ارتقای کیفیت آموزش، افزایش انگیزه و خلاقیت دانشجویان در تولید علم و فناوری، ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله کمک می‌کند و در نهایت به توسعه مهارت‌های حکمت عملی، مانند تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای و اخلاقی، تفکر خلاق و در تعاقب آن، خیر و منفعت اجتماعی منتهی می‌شود. طراحی تناسب آموزش برنامه محور با نیازهای جامعه و کسب مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار و حل مشکلات جامعه و کشور از اهداف برجسته این روش است. استفاده از منابع آموزشی منعطف و کارآمد و ادامه برنامه بر اساس نتایج ارزشیابی برنامه، از جمله امتیازات این استراتژی برای بهبود کیفیت آموزش و منجر شدن به تولید علم و فناوری است.

نیاز به تغییر فرهنگ و ساختار دانشگاه‌ها، الزام امکانات سخت و نرم افزاری و منابع متناسب با برنامه، نیاز به آموزش و توانمندسازی استادان و ضرورت تدوین نظام ارزشیابی جدید، از جمله چالش‌های پیاده‌سازی یا به قولی نوسازی آموزش برنامه محور در دانشگاه‌های حکمت بنیان است.

**دانشگاه‌های غیردولتی، به دلایل زیر می‌توانند نقشی کلیدی در پیاده‌سازی استراتژی آموزش برنامه محور حکمت بنیان داشته باشند:**

انعطاف‌پذیری در طراحی برنامه‌های آموزشی  
سرعت تغییر در ساختار سازمانی و برنامه‌های آموزشی به تناسب نیازهای جامعه و دانشجویان  
استقلال در اداره امور  
اختیارات در حوزه منابع مالی  
توان جذب استادان مجرب و کارآمد  
دعوت از استادان و متخصصان خارجی  
تجهیز الزامات و امکانات آموزشی با استفاده از شهریه دریافتی از دانشجویان و ظرفیتهای بخش خصوصی  
استفاده از ظرفیتهای صنعت و جامعه در ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی به دانشجویان

طراحی برنامه های آموزشی با توجه به نیازهای بازار کار در ارتباط با صنعت و جامعه و در نتیجه افزایش اشتغال زایی فارغ التحصیلان

ارائه خدمات حمایتی مانند: مشاوره تحصیلی، وامهای دانشجویی و بورسیه تحصیلی در نهایت اینکه دانشگاههای غیر دولتی به دلیل انعطاف بیشتر در برنامه های آموزشی و نداشتن قوانین و مقررات دست و پاگیر دانشگاههای دولتی، علاوه بر پیاده سازی استراتژی آموزش برنامه محور، می توانند با سرعت بیشتری به تغییر ساختارها و اجرایی سازی این برنامه دست یابند.

## منابع

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۴). مدرنیته و اندیشه انتقادی. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۲. بختیار نصرآبادی و نوروزی، رضا علی. (۱۳۸۴). بررسی میزان تحقق اهداف شناختی درس علوم با روش های تدریس سنتی و کاوشگری. فصلنامه تعلیم و تربیت آموزش و پرورش، صص ۱۰۷-۸۷.
۳. دریدا، ژاک. (۱۳۸۸). مواضع. ترجمه پیام یزدانجو. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
۴. علیپور، صدیقه. (۱۴۰۲). ضرورت آموزش ادبیات حکمی - اسلامی در دانشگاه حکمت بنیان. مجموعه مقالات هجدهمین گردهمایی بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی در دانشگاه شهید باهنر کرمان. صص ۱۴۶۸-۱۴۶۰.
۵. علی مردانی، عمران و محمدی، اسماعیل. (۱۳۹۵). یادگیری الکترونیکی یا یادگیری سنتی؟! مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، صص ۲۵۳۲-۲۵۲۷.
۶. فاتح راد، مهدی و نقوی، محمد حسین. (۱۳۹۲). دانشگاه حکمت بنیان و قلب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مجموعه مقالات کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۴۶۱-۴۳۹.
۷. صمدی میارکلایی، حمزه و صمدی میارکلایی، حسین. (۱۳۹۸). در مسیر دانشگاه حکیمانه: سومین انقلاب علمی- دانشگاهی. نشریه سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۹، شماره دو، پیاپی ۲۷، صص ۴۳-۶۵.
۸. هایدگر، مارتین. (۱۳۸۸). معنای تفکر چیست؟ فرهاد سلمانیان. چاپ چهارم. هرات: نشر مرکز.
۹. مجتهدی، کریم. (۱۳۸۹). فلسفه و فرهنگ، به کوشش محمدمنصور هاشمی. تهران: کویر.
۱۰. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۱ش) بحارالانوار، ج ۱، چاپ ایران، قم: دارالکتب الاسلامی.
۱۱. نسفی، عزیزالدین. (۱۳۷۷). الانسان الكامل، پیشگفتار هانری کربن، تصحیح و مقدمه ماریژان موله، تهران: کتابخانه طهوری و انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران.
12. Bakhtin, M.M., Medvedev, P.N.. (1978). The Formal Method in Literary Scholarship, Trans Albert J. Wehrle. Baltimore and London: Johns Hopkins university press.